



جناب آقای محمد بهرامی

کارشناس ارشد شاغل در دانشگاه

در روز چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۵۴ در شهرستان ایذه به دنیا آمدم. من فرزند چهارم خانواده بودم. البته قبل از من برادری به نام علیرضا بود که به علت عارضه گوارشی در ۲۰ روزگی از دنیا رفت و این فقدان خاطر خانواده‌ام را بسیار آزرده کرده بود. پدرم معلم بود و در زمان تولد من، در باغملک در اداره فرهنگ آن دوران که امروزه آموزش و پرورش نامیده می‌شود، خدمت می‌کرد. پدرم در شرایط سخت و خاصی بزرگ شده بود. قبل از به دنیا آمدنش، پدر بزرگم به علت بیماری در سن ۲۴ سالگی فوت کردند و مادر بزرگم را هم در دوران اولیه مدرسه ابتدایی از دست دادند و تحت سرپرستی پسرعموی بزرگوارشان که حقیقتاً پدری را در حق ایشان تمام کردند، بزرگ شدند و اولین نفری بودند که در فامیل ما در سال ۴۱-۴۰ دیپلم طبیعی گرفتند و در دوره اول سپاه دانش خدمت نمودند و پس از پایان دوره خدمت به زادگاه پدری در روستای دالون، که از روستاهای بخش باغملک بود و روستاهای اطراف آن برای تعلیم کودکان به او نیاز داشت، بازگشتند و خدمات بسیاری را در رشد و شکوفایی فرزندان این کهن دیار ایفا کردند. در سال ۱۳۴۴ با مادرم که دختر عمویشان هم بودند ازدواج نمودند که حاصل این ازدواج، ۵ فرزند (۳ پسر و ۲ دختر) می‌باشد.

تا سن ۱ سالگی من در سال ۵۵ در همان باغملک زندگی می‌کردیم و در آن سال، به هفتگل نقل مکان نمودیم، دوران کودکی من و در سن ۳ سالگی مصادف بود با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سال ۵۹

درست ۴۰ روز قبل از شروع جنگ تحمیلی برای زندگی به اهواز آمدم و با شروع جنگ در شهر یور، برای مدت ۱ سال به هفتگل برگشتیم.

سال ۱۳۶۰ به دبستان رفتم، معلم کلاس اول دبستانم که سالها بعد به علت تحمل سالها درد و رنج جانبازی و شیمیایی شدن به درجه رفیع شهادت نائل آمدند، شهید توکلی بودند و نقش بسزایی را در شکل گیری شخصیت تحصیلی و عاطفی من ایفا کردند. در آن زمان هموطنان عزیز که بدلیل بلای خانمان سوز جنگ، ترک دیار نموده بوده در شرایط سختی بسر می بردند خصوصاً کودکانشان که برخی همکلاسی من بودند، نیاز به مراقبت های عاطفی و حمایتی داشتند که الحق والانصاف شهید توکلی و باقی معلمان در این خصوص، سنگ تمام می گذاشتند. شاگرد درس خوانی بودم و همیشه جزو نفرات برتر کلاس و مدرسه بودم.

دوران دبستان به سرعت برق و باد سپری شدند و من دوره راهنمایی را در مدرسه شهید رجایی شهرک شهید باهنر گذرانم. در آن زمان نظام قدیم آموزشی حاکم بود و دانش آموزان می بایست در پایان سال سوم راهنمایی تعیین رشته می کردند و من با توجه به جو غالب آن زمان که همگی تمایل به دکتر و مهندس شدن داشتند، رشته تجربی را انتخاب کردم.

دوران دبیرستان را در دبیرستان های شریعتی، شهید رجایی و شهید مصطفی خمینی اهواز گذراندم و سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ دیپلم علوم تجربی شدم. در آن زمان یکی دوسالی بود که کنکور سراسری دو مرحله ای شده بود، به اینصورت که اگر در مرحله اول کنکور مجاز می شدیم به شرط قبولی خرداد ماه سال چهارم، علت مجاز به شرکت در مرحله دوم کنکور می شدیم این طرح فقط دوسال اگر اشتباه نکنم برگزار شد و به عدم استقبال عمومی و ایراداتی که داشت دیگر برگزار نگردید. در اولین دوره شرکت در کنکور موفق به قبولی در رشته ناسازگاری شنوایی کودکان استثنایی شدم ولی با توجه به اینکه رتبه پایینی کسب نمودم با مشاوره یکی از عزیزانم از شرکت در مرحله دوم کنکور منصرف شدم. بعد از آن تصمیم گرفتم که به خدمت سربازی بروم و پس از اتمام دوران سربازی مجدداً برای کنکور اقدام نمایم.

سال ۱۳۷۳ به خدمت اعزام گردیدم. دوره آموزشی را در پادگان قصر فیروزه تهران و دوره درجه داری را در پایگاه یکم شکاری مهرآباد به پایان رساندم و موفق به دریافت درجه گروه بان سومی در رسته پدافند هوایی شدم و پس از آن به صورت داوطلبانه برای ادامه خدمت عازم جزیره خارک گردیدم.

زندگی در جزیره زیبای خارک و آشنایی با دوتن از دوستان بی نظیرم، منجر به تحولات شگرفی در شکل‌گیری ساختار فکری و اندیشه من شد و موجبات شکوفایی بسیار زیادی در زندگی من گردید که همیشه خداوند منان را بدین خاطر سپاسگزارم.

سال ۱۳۷۵ خدمت را به پایان رساندم و ۲ سالی را در زمینه های مختلف شغلی مشغول به کار شدم. با راهنمایی و حمایت بی دریغ پدرم سال ۱۳۷۷ مجدداً در کنکور و این بار در گروه علوم انسانی شرکت کردم و در رشته روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز قبول گردیدم. نقش دوستان دوران خدمت و حمایت‌های بی دریغ پدر و مادرم نتیجه بخش شد و در تمام دروان تحصیل دانشگاهی رتبه برتر بودم با معدل ۱۹,۲۰ و اخذ رتبه اول، دروه کارشناسی را در سال ۱۳۸۱ به پایان رساندم. بلافاصله بعد از اتمام درس، دوره طرح بعد از درس را در بیمارستان اعصاب و روان سلامت اهواز به مدت ۲ سال گذرانم. البته مدتی هم به پیروی از پدر شغل معلمی را انتخاب نمودم. فعالیت‌های مختلفی نظیر کار در مطب روانپزشکی و ارائه خدمات مشاوره‌ای و درمانی، همکاری با اداره بهزیستی اهواز و کار در مرکز اجتماع درمان‌مدار (T.C) و... را در کارنامه کاری خود دارم.

در سال ۱۳۸۴ ازدواج کردم. این دوران مقارن شد با استخدام من در دانشگاه شهید چمران اهواز. در تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۸۴ در دانشگاه شهید چمران اهواز، واحد مرکز مشاوره دانشجویی مشغول به کار شدم. متأسفانه، یکماه بعد بزرگترین ضربه زندگی به من وارد شد و محکمترین حامی من، پدرم، از دنیا رفت. فقدان حضور پدر جدا ضایعه دردناکی است. سال ۱۳۹۰ خداوند به من و همسر، دختری عنایت فرمود که حضورش سرمنشاء خیرات و برکات بسیاری در زندگی ما گردید.

۸ سال در مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه به عنوان رابط تخصصی پیشگیری از آسیب های روانی - اجتماعی فعالیت نمودم. مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه در سال ۱۳۶۸ تاسیس گردید و در زمینه های مختلف ارائه خدمات مشاوره‌ای و روان‌درمانی، روان‌پزشکی، برگزاری کارگاه های آموزشی و پیشگیری از اعتیاد و ... فعالیت می‌نماید و به منظور رفاه حال دانشجویان و دانشگاهیان عزیز، کلیه خدماتش رایگان می باشد. دوران خدمتم در این حوزه از دوره های بسیار خوب و پرخاطره ای می باشد و تجارب بسیار ارزشمندی را به دست آورده ام. همکاران خوب و ارزشمندی در این حوزه داشته و دارم. پس از آن به معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه برای ادامه خدمت منتقل شدم. حدود ۶ ماه مسئول انجمن های علمی دانشجویی بودم و

پس از آن به مدت ۷ سال مسئول کانون های اجتماعی معاونت فرهنگی و اجتماعی بودم. حضور کنار دانشجویان و شرکت در اردوها و برنامه های آنها، تجارب ارزشمندی نصیب من نمود.

متأسفانه در سال ۹۶ دچار تومور مغزی هیپوفیزم شدم و در تابستان همان سال تحت عمل جراحی قرار گرفتم. خداوند کریم لطف و عنایت بسیاری به من نمود و عمل باموفقیت به انجام رسید و از آن زمان تا کنون تحت درمان هستم.

در سال ۱۳۹۷ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی اسلامی مثبت‌گرا با معدل ۱۹,۳۴ و کسب رتبه اول از دانشگاه پیام نور اهواز شدم.

روزهای پایانی حضور من در معاونت فرهنگی و اجتماعی مصادف شد با همه‌گیری بیماری کرونا و این مساله دانشگاه را نیز مانند سایر نقاط جهان تحت تاثیر عوارض ناگواری قرارداد. چند ماهی به علت شرایط خاص جسمانی به صورت مرخصی بدون احتساب و پس از آن به صورت دورکاری مشغول به فعالیت بودم و در بهمن ۱۳۹۹ در حوزه معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات مشغول به فعالیت گردیدم و از آن زمان تاکنون در این مجموعه شاغل می‌باشم.